



## لنین و الکتریسیته

ژان لوک نانسی، ترجمه: سهند ستاری

شاید نظرگیرترین جمله لنین، جمله‌ای که مقدر بود پشت سر هم نقل و تفسیر شود و حتی دستمایه برخی آثار هنری قرار گیرد، همان است که به صورت ذیل شهرت یافته: «کمونیسم عبارت است از حاکمیت شوراهای به اضافه برق‌رسانی».

این جمله سزاوار چنین توفیقی است. جمله بالا معنای اصلی «انقلاب روسیه» را می‌رساند و همچنین به تبع آن معنایی را که واژه «انقلاب» پس از انقلاب روسیه به خود گرفت - مگر اینکه خیلی زودتر از این‌ها بذر این ایده کاشته شده باشد که قصد ندارم در اینجا به این موضوع بپردازم، اگرچه جای بررسی دارد.

معنای این جمله را می‌توان اینگونه صورت‌بندی کرد: رهایی سیاسی از پیشرفت صنعتی جدا نیست. این تفسیر را به‌وضوح می‌توان در سخنرانی لنین دید که در آن شکل اولیه جمله بالا مشهود است. این سخنرانی در ۲۱ نوامبر ۱۹۲۰ در کنفرانس حزب کمونیست بلشویک روسیه در ایالت مسکو ایراد شد:

«مسئله نوسازی اقتصاد ملی یا مسئله کمونیسم نمی‌تواند مطرح شود مگر روسیه به سطح فنی متفاوت و بالاتری از آنچه تاکنون وجود داشته برسد. کمونیسم یعنی حاکمیت شوراهای به اضافه برق‌رسانی به سراسر کشور، چون صنعت بدون برق‌رسانی توسعه نمی‌یابد. این کار زمان‌بری است که تا به سرانجام برسد حداقل ۱۰ سال زمان خواهد برد، تازه اگر تعداد فراوانی متخصص فنی به کار گرفته شوند. تعدادی اسناد و مدارک چاپ‌شده به کنگره تقدیم خواهد شد که در آن متخصصان فنی این پروژه را با جزئیات برآورد کرده‌اند. ما نمی‌توانیم در کمتر از ۱۰ سال به اهداف اصلی این طرح برسیم، مناطق بسیار بزرگی از نیروگاه‌های برق بسازیم که ما را قادر سازد صنایع‌مان را مدرن کنیم. بدون بازسازی تمام صنایع در خطوط تولید ماشینی به مقیاس بزرگ، بدیهی است که بنای سوسیالیستی خلاصه

می‌شود در مجموعه‌ای از اوامر و دستورها، پیوند سیاسی بین طبقه کارگر و دهقان، و وسیله‌ای برای نجات دهقانان

از سلطه آنتون دنیکن و الکساندر کولچاک؛<sup>۱۱</sup> اگرچه این ساختار همچنان می‌تواند نمونه‌ای باشد برای همه

قدرت‌های جهان، ولی بنیاد خود را نخواهد داشت.»

مدارکی که به دست تکنیسین‌ها تهیه شد و سپس دوباره به کنگره اتحاد جماهیر شوروی رفت، برنامه کاملی بود برای

برقرسانی به سراسر روسیه که باید طبق برنامه به اصطلاح «گوئرو»<sup>۱۲</sup> به کار گرفته می‌شد (کمیسیون دولتی برقرسانی

روسیه).

به هر حال، از مرور تاریخ سیاسی، صنعتی و فرهنگی این دوره - که من صلاحیت‌اش را ندارم - می‌گذرم و بر مسائل مربوط

به پیوند به‌شدت ریز و قوی رهایی با فنی‌سازی (technification) تأکید می‌کنم.

اول از همه، آشکار است که مسئله بیش از یک پیوند ساده است. اگر لنین واژه برقرسانی را به حاکمیت شوراها افزود، این

اضافه‌شدن به هیچ وجه یک امر فرعی یا صرفاً افزوده نیست. افزودن برقرسانی به شوراها موجب بازیابی آگاهی از وحدت

ماهوی انقلاب صنعتی و انقلاب سیاسی و خواست یگانگی آن دو می‌شود: این دو انقلاب با هم و فقط با هم انقلاب کاملی برای

بشریت می‌سازند، یعنی دستیابی بشر به خودآیینی کامل و آزادسازی تمامی ارزش‌هایش، فارغ از هرگونه ارزش مبادله و حتی

ارزش مصرف.

این موضوع کاملاً با روح مارکسیستی سازگار است. ارزش در نظر مارکس ارزش مصرفی نیست منهای نقاب‌های ارزش کالایی:

بلکه ارزش به‌خودی خود - ارزش یا معنا در اینجا یک چیزند - ارزش هستی آدمی است، به‌منزله تغییرشکل طبیعت و خلق

طبیعت ثانویه از دل طبیعت اولیه. هر قدر هم که امروز به نظر برسد این نحوه تفکر بد طرح شده، در جنبه‌های مختلف تفکر

انقلابی نقشی کاملاً محوری داشته است.

تصادفی نیست که اصطلاح «انقلاب صنعتی» (از جمله در «مانیفست کمونیسم» در سال ۱۸۴۸) به عنوان نوعی پیوند لفظی و مفهومی بین انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه پدیدار شده بود. آن تکنیک آشفته‌ای که در کار راه‌اندازی صنایع موفق باشد نقطه مقابل تقسیم طبقاتی را می‌سازد، تقسیم طبقاتی متکی بر سیستم دستمزدی و استعمار.

در سال ۱۹۰۰ پل موران [رمان‌نویس مشهور فرانسوی] نوشت: «الکتریسیته مذهب ۱۹۰۰ است». بیست سال بعد الکتریسیته بدل شد به انرژی انقلاب - بی‌آنکه بخواهد لنگ بحث‌هایی بماند که نقداً درباره رابطه «مذهب» و «انقلاب» در جریان بود.

قضیه این نیست که همه افیون‌های سیاسی را به لنین نسبت دهیم و بگوییم او به انقلابیون گفته بود شوراها را با «افسون برق» آرام کنند. قصد ندارم به بحث بی‌پایان درباره رابطه لنین و شوراها بپردازم. بی‌تردید، او ضرورت حزب و یک دولت قوی برای رسیدن به «سطح تکنیک مدرن» را درک می‌کرد و بدین منظور دریافته بود که اختصاص یک جایی به مهندسان بسیار مهم‌تر از اختصاص آن به سیاست‌ورزان است: این همان موردی است که می‌توان در سخنرانی سال ۱۹۲۰ دید که همزمان واژگان «مدرن» و «معاصر» معنایی مترادف با «کمونیست» دارد - یا دقیق‌تر به عنوان نام‌های فضا-زمانی که فقط درون آن اوج شکوفایی کمونیسم می‌تواند رخ دهد.

در سال ۱۹۲۰، تقریباً چهل سال بود که «وال استریت» در نیویورک از یک شبکه زیرزمینی توزیع برق بهره‌مند بود. مسکو می‌بایست نیروگاه برق خود را بازسازی می‌کرد.

این دوره همچنین دوره ستایش فوتوریست‌ها و کونستراکتیویست‌ها بود از «راه‌های بری از اشتباه الکتریسته» (مارینتی <sup>[۱۱]</sup>) در مقابل ضعف‌های انسانی. بزرگ‌نمایی نیست اگر بپذیریم تصور کلی از آرمان یک بشریت بازگشته به خویش بر مبنای فنی‌سازی مطلق بود.

لنین به نحو احسن ضرورت‌ها و امکان‌هایی را دریافت که در یک روسیه در حال ستیز با تحولات مدرن خودش حی و حاضر بود. بنابراین مسئله این نیست که ببینیم لنین چقدر راه را برای استالین‌یسم همواره کرد، بلکه این است که تا چه اندازه آنچه

رهایی بشریت قلمداد می‌شد، در واقع منطبق بر حرکتی نبود که مدت‌ها زیر سایه عقلانیت و تسلط بر اکثر نیروهای طبیعی و اجتماعی پیش می‌رفت (این رهایی جدای از شخصیت‌های اصلی، رقابت‌های ملی، جاه‌طلبی‌های امپریالیستی و هیجانات و همینطور هراس‌ها بود). اگر انقلاب فرانسه انقلاب بورژوازی بود علیه بقایای فئودالیسم، چه بسا انقلاب روسیه انقلاب تکنیک بود علیه بقایای سیاست. بدین‌سان، انقلاب روسیه به شکلی چشمگیر مقدمه همان چیزی بود که به نظر نقطه شکست‌اش می‌آمد: نظم دردرساز و پردردسر سرمایه‌داری تکنولوژیکی جهانی.

اما این نیز تحت نام «سوویت» آغاز شد - نامی که «حتی به هیچ زبان دیگری ترجمه نمی‌شود و همه جا با همین تلفظ روسی بیان می‌شود» (سخنرانی لنین در سال ۱۹۲۰ در جلسه شورای مسکو به بهانه سالگرد بین‌الملل سوم) - آری گفتن به ضرورتی که با مدرن‌شدن جهان دیگر مهارشدنی نیست و هنوز از آن ماست: این ضرورت که انسان‌ها می‌توانند بدون خدایگان و اربابان با هم زندگی کنند - حتی بدون اربابان فنون خودشان.

### منبع: Critique & Crisis

### پی‌نوشت‌ها:

□ آنتون ایوانویچ دنیکن، در ارتش امپراتوری روسیه (۱۹۱۶) سپهبد بود و پس از آن به رهبری نظامی جنبش سفید در جنگ داخلی روسیه پرداخت. الکساندر کولچاک نیز فرماندهی نیروی دریایی امپراتوری روسیه را طی جنگ روسیه و ژاپن و همچنین جنگ جهانی اول بر عهده داشت و در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ یکی از رهبران اصلی ارتش سفید بود که در برابر ارتش سرخ می‌جنگید. م

□ پس از پیروزی انقلاب اکتبر که نیاز به ایجاد کشوری توسعه‌یافته به شدت احساس می‌شد، انقلابیون تصمیم گرفتند سازمانی برای برنامه‌ریزی منسجم تشکیل دهند. در سال ۱۹۲۱ اولین نهاد برنامه‌ریزی سراسری در کشور با عنوان «کمیسوین برنامه‌ریزی کشوری» تشکیل شد. اولین برنامه عمومی که این نهاد برای اقتصاد شوروی تهیه کرد طرح «GOELRO» نام داشت و نمونه آزمایشی برنامه‌های جامع شوروی به حساب می‌آمد. «GOELRO» طرح لنین بود و تا آنجا پیش رفت که مردم و دهقانان لامپ‌هایی را که در مزارع روستاهای دور افتاده روشن شد، لامپ‌های ایلچ نامیدند و این اصطلاح سال‌ها بر سر زبان‌ها بود. م

□ فیلیپو تومارو مارینتی (۱۸۷۶-۱۹۴۴) شاعر، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و آهنگساز فوتوریست ایتالیایی بود. او با گروه هنرمندان و ادیبان موسوم به «آبی دو کرتی» که معتقد به سمبولیسم و آرمان‌شهر بودند در ارتباط بود. علت اصلی شهرتش، نوشتن «مانیفست فوتوریسم» در سال ۱۹۰۹ بود. م